

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

الف، لام، را. اینها آیت های کتاب و قرآن مُبیین (1)

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (2)

چه بسا بود که دوست بدارند آنانکه نا معتقد شدند اگر می بودند تسلیم شده گان به خدا. (2)

ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ صَلَّى فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (3)

بگذار ایشان را بخورند و بهره مند شوند و مشغول سازد ایشان را امید و آرزو؛ پس به زودی می دانند. (3)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (4)

و نکرديم هلاک ما از شهری مگر و برای آن نوشته شده (است وقت ) دانسته شده (معین). (4)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَ مَا يَسْتَنْخِرُونَ (5)

نمی کند پیشی از گروهی مدت معین آن و نمی کنند تأخیر. (5)

وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (6)

و گفتند: ای آنکه فرو فرستاده شده بر او ذکر (قرآن) هر آئینه تو البته دیوانه ئی. (6)

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَىٰ - نِكَّةٌ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (7)

چرا نمی آوری به ما فرشته گان را اگر هستی از راست گویان؟ (7)

مَا نُنزِّلُ الْمَلَىٰ - نِكَّةٌ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ (8)

نمی فرستیم فرو ما فرشته گان را مگر به حق و نباشند آنگاه مهلت داده شده گان. (8)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (9)

هر آئینه ما فرو فرستادیم ذکر (قرآن) را و هر آئینه ما برای او البته نگهبانانیم. (9)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ (10)

و البته به یقین فرستادیم ما (پیغمبران) از پیش تو در گروه های نخستین. (10)

وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (11)

و نمی آمد به ایشان از پیغمبری مگر بودند به او می کردند تمسخر. (11)

كَذَلِكَ نَسْأَلُكَ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (12)

مانند این داخل می کنیم آن (استهزاء) را در دل های گناه گاران. (12)  
لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ **مِ** وَ قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (13)

نمی آورند ایمان به آن (قرآن)؛ و به یقین گذشت آئین پیشینیان. (13)  
وَ لَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (14)

و اگر باز کنیم ما بر ایشان دروازه ئی از آسمان پس شروع کردند در آن بالا رفتن. (14)  
لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ (15)

البته گفتند: جز این نیست که بند کرده شده چشم های ما بلکه ما گروه جادو کرده شده گانیم.  
(15)

وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (16)

و البته به یقین ساختیم ما در آسمان برج ها (منزل گاه های که ستاره گان و نظام های  
آسمانی در آن در حرکت اند) و آراسته ایم آن ها را برای بیننده گان. (16)

وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (17)

و نگاه کردیم آن ها را از هر شیطان رانده شده. (17)

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مُّبِينٌ (18)

مگر کسی که نزدی کند شنیدن را پس تعقیب کند او را شعله سوزان روشن. (18)

وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (19)

و زمین را گسترانیدیم ما آن را و انداختیم ما در آن کوه های مجکم را و رویانیدیم ما در آن  
از هر چیز اندازه شده. (19)

وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعْيِشَ وَ مَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (20)

و ساختیم ما برای شما در آن وسائل زنده گانی و (ساختیم) کسی را که نیستید شما برای او  
از روزی دهنده گان. (20)

وَ إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (21)

و نیست از چیزی مگر نزد ما است خزانه های آن و نمی فرستیم فرو ما آن را مگر به  
اندازه دانسته شده (معین). (21)

وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَ مَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (22)

و فرستادیم ما شمال ها را بار دار کننده پس فرو فرستادیم ما از آسمان آب را پس می  
نوشانیم شما را آن را و نیستید شما برای آن از جمع کننده گان. (22)

وَ إِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ نَحْنُ الْوَارِثُونَ (23)

و هر آینه ما البته ما زنده می کنیم و می میرانیم و مائیم به ارث برنده گان. (23)

وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (24)  
و البته به یقین دانسته ایم ما پیشینیان از شما را و البته به یقین دانسته ایم ما پسینیان را.  
(24)

وَ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (25)  
و هر آئینه پروردگار تو او می کند جمع ایشان را. هر آئینه او است نهایت هوشیار، دانا.  
(25)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (26)  
و البته به یقین آفریدیم ما انسان را از گل خشکیده از گل سیاه شده، تبدیل شده . (26)  
وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ (27)

و جن را آفریدیم ما او را از پیش از آتش سوزان بدون دود. (27)  
وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِ-يَكَّةَ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (28)  
و وقتی که گفت پروردگار تو برای فرشته گان: هر آئینه من آفریننده ام آدمی را از گل  
خشکیده از گل سیاه شده، تبدیل شده. (28)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُمْ وَ نَفَخْتُ فِيهِمْ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُمْ سَاجِدِينَ (29)  
پس چون آراستم او را و دمیدم در او از روح خود پس به زمین بیافتید برای او سجده کنان.  
(29)

فَسَجَدَ الْمَلَأِ-يَكَّةَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (30)  
پس سجده کردند فرشته گان همه ایشان یکجا شده. (30)  
إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى- أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (31)  
مگر ابلیس سرباز زد اینکه باشد همراه سجده کننده گان. (31)  
قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (32)

گفت: ای ابلیس چیست برای تو اینکه نیستی همراه سجده کننده گان؟ (32)  
قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (33)  
گفت: نیستم که باشم تا سجده کنم برای انسانی که آفریده ئی او را از گل خشکیده از گل سیاه  
شده، تبدیل شده. (33)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (34)  
گفت: پس بیرون شو از آن پس هر آئینه تو رانده شده ئی. (34)  
وَ إِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (35)

و هر آئینه بر تو است لعنت تا روز قیامت. (35)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي - إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (36)

گفت: پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روزی که می شوند برانگیخته. (36)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (37)

گفت: پس هر آئینه تو از مهلت داده شده گانی. (37)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (38)

تا روز وقت دانسته شده (معین). (38)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (39)

گفت: پروردگار من به سبب آنکه گمراه ساختی مرا البته بیارایم (معصیت را) برای ایشان در زمین و البته گمراه سازم ایشان را همه یکجا. (39)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (40)

مگر بنده گان ترا از ایشان صمیمی ها را. (40)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (41)

گفت: این (صمیمیت) است راه بر من راست. (41)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَالِبِينَ (42)

هر آئینه بنده گان من نیست برای تو بر ایشان تسلطی مگر کسی که پیروی کند ترا از گمراهان. (42)

وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ (43)

و هر آئینه دوزخ است البته وعده گاه ایشان همه یکجا. (43)

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (44)

برای او است هفت دروازه برای هر دروازه از ایشان (از گمراهان) حصه است تعیین کرده شده. (44)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (45)

هر آئینه پرهیزگاران در بوستان ها و چشمه ها باشند. (45)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ (46)

در آنید در آنها به سلامتی ایمن شده. (46)

وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ (47)

و بیرون کنیم ما آنچه در دل های ایشان است از کینه، برادران یکدیگر شده بر تخت ها رو

به روی یکدیگر. (47)

لَا يَمْسُهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَ مَا هُمْ مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ (48)

نمی رسد ایشان را در آنجا خسته گی و نیستند ایشان از آنجا بیرون کرده شده گان. (48)

نَبِيُّ عِبَادِي - أَنِّي - أَنَا الْعَفْوُ الرَّحِيمُ (49)

خبر ده بنده گان مرا اینکه من، منم آمرزنده، با رحم. (49)

وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (50)

و اینکه عذاب من آن است عذابی درد دهنده. (50)

وَ نَبَّئُهُمْ عَن ضَعْفِ إِبْرَاهِيمَ (51)

و خبر ده ایشان را از مهمانان ابراهیم. (51)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ (52)

وقتیکه داخل شدند بر او پس گفتند: سلام، گفت: هر آئینه ما از شما ترسانیم. (52)

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (53)

گفتند: نترس هر آئینه ما مژده می دهیم ترا به پسری دانا. (53)

قَالَ أَ بَشَّرْتُمُونِي عَلَى - أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ (54)

گفت: آیا مژده می دهید مرا بر آنکه (با وجود آنکه) رسیده است مرا کلان سالی پس به چه

چیز مژده می دهید مرا؟ (54)

قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ (55)

گفتند: مژده می دهیم ترا به راستی پس نباش از نا امیدان. (55)

قَالَ وَ مَنْ يَفْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (56)

گفت: و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان. (56)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (57)

گفت: پس چیست خبر شما ای فرستاده گان؟ (57)

قَالُوا - إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (58)

گفتند: هر آئینه ما فرستاده شده ایم به سوی قوم گناه گاران. (58)

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ (59)

مگر خاندان لوط هر آئینه ما البته نجات خواهیم داد ایشان را همه یکجا. (59)

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا - إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (60)

مگر زن او را، فرمان کرده ایم ما که هر آئینه او البته از پس مانده گان است. (60)



فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (61)

پس چون آمد خاندان لوط را فرستاده گان. (61)

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (62)

گفت: هر آئینه شما گروه نآشنائی هستید. (62)

قَالُوا بَلْ جِنَّتَكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (63)

گفتند: بلکه آمده ایم به پیش تو به سبب آنچه بودند در آن می کردند شبهه. (63)

وَ أَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ (64)

و آمده ایم ترا به حق و هر آئینه ما البته راست گویانیم. (64)

فَأَسْرِبَ أَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَ اتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَ لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَ امْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ (65)

پس سفر کن با اهل خود به پاره از شب و برو از پشت ایشان و نباید به عقب نگرد از شما

هیچ کسی و بروید آنجا که امر کرده می شوید. (65)

وَ قَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هِيَ - وُ لَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ (66)

و فیصله کردیم ما به سوی او این امر را اینکه بیخ اینها بریده شود در وقت صبح در آینده

گان. (66)

وَ جَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَنْبِشِرُونَ (67)

و آمد مردم شهر می کردند خوشحالی. (67)

قَالَ إِنَّ هِيَ - وُ لَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونَ (68)

گفت: هر آئینه اینها مهمانان من اند پس نکنید مرا شرمسار. (68)

وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُخْزُونَ (69)

و بپرهیزید (از خشم) خدا و نکنید مرا خوار. (69)

قَالُوا - أَوْ لَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ (70)

گفتند: آیا نکردیم منع ترا از جهانیان؟ (70)

قَالَ هِيَ - وُ لَاءِ بَنَاتِي - إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (71)

گفت: اینها دختران من اند اگر هستید کننده گان کاری را؟ (71)

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (72)

قسم به زنده گانی تو هر آئینه ایشان البته در سرمستی ایشان می کردند سرگردانی. (72)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (73)

پس گرفت ایشان را آواز هولناک در وقت شروق. (73)

فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ (74)  
پس ساختیم ما بالای آن را زیر آن و بارانیدیم ما بر ایشان سنگ از گل پخته شده به سنگ.  
(74)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (75)  
هر آینه در این البته نشانه ها است برای بیننده گان (عبرت گیرنده گان). (75)

وَ إِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ (76)  
و هر آینه آن البته در راه ایستاده است. (76)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (77)  
هر آینه در این البته نشانه است برای ایمان آورنده گان. (77)

وَ إِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ (78)  
و هر آینه بود یاران ایکه البته ستم گاران. (78)

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَ إِنَّهُمْ لِبِإِمَامٍ مُّبِينٍ (79)  
پس انتقام گرفتیم ما از ایشان و هر آینه هر دوی شان (شهر لوط و ایکه) البته در راهی  
آشکار هستند. (79)

وَ لَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ (80)  
و البته به یقین به دروغ نسبت کردند باشند گان حجر (قوم ثمود) پیغمبران را. (80)

وَ آتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (81)  
و دادیم ایشان را نشانه های ما را پس بودند از آنها رو گردانان. (81)

وَ كَانُوا يَنْحُتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (82)  
و بودند می تراشیدند از کوه ها خانه های آسائش و امنیت را. (82)

فَأَخَذْنَاهُمُ الصَّيْحَةَ مُصْبِحِينَ (83)  
پس گرفت ایشان را آواز هولناک در وقت صبح در آینده گان. (83)

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (84)

پس نکرد دفع از ایشان آنچه بودند به دست می آوردند. (84)  
وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ قَلِيلٍ وَ إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لِّصَلٰى فَاصْفَحِ الصَّفْحَ  
الْجَمِيلِ (85)

و نیافریده ایم ما آسمان ها و زمین را و آنچه در میان آنها است مگر به حق. و هر آینه  
قیامت البته آمدنیست؛ پس در گذر، در گذشتن نیک. (85)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ (86)

هرآئینه پروردگار تو او است آفریننده دانا. (86)

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (87)

و البته به یقین دادیم ترا هفت از مثنای و قرآن بزرگ را. (87)

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (88)

مکن باز چشم های خود را به سوی آنچه بهره مند ساخته ایم ما به آن جماعت های از ایشان را و نخور غم بر ایشان (نا معتقدان) و بگستران بال های (بازو های) خود را برای ایمان آورنده گان. (88)

وَ قُلْ إِنِّي ~ أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (89)

و بگو: هرآئینه من، منم بیم دهنده آشکار. (89)

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (90)

مانند آنچه فرو فرستادیم ما بر تقسیم کننده گان. (90)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (91)

آنانکه ساختند قرآن را حصه، حصه. (91)

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (92)

پس قسم به پروردگار تو البته بپرسیم ایشان را همه یکجا. (92)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (93)

از آنچه بودند می کردند. (93)

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (94)

پس به صورت روشن اعلام کن آنچه را امر کرده می شوی و رو بگردان از مشرکان.

(94)

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (95)

هرآئینه ما کافی هستیم ترا (از شر) استهزا کننده گان. (95)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (96)

آنانکه می سازند همراه خدا معبودان دیگری. پس به زودی می دانند. (96)

وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ (97)

و البته به یقین می دانیم ما اینکه تنگ می شود دل تو از آنچه می گویند. (97)



فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (98)

پس به پاکی یاد کن به ستایش و سپاس پروردگار خود را و باش از سجده کننده گان. (98)

وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (99)

و پرستش کن پروردگار خود را تا اینکه بیاید ترا یقین (مرگ). (99)